

(قسمت دوم)

یادداشت

بزرگوار

بزرگوار

موضوع گروه ۲۰ در قبال سیاست صنعتی بویژه از سال ۱۳۸۸ به طرز چشمگیری تغییر کرده است. در ابتدا، این گروه به شدت در این موضوع کم‌رنگ و پرداخت و بی‌توجهی مالی تمرکز داشت. ابتکار سال ۱۳۹۶ آن در مورد سیاست‌سازی افریقا و کشورهای کمتر توسعه‌یافته (LDC) نیز با وجود تلاش برای کمک، همچنان به توصیه‌های ارتدکس و سازگار با بازار وفادار بود. اما، همکاری گروه ۱۰-۱۶ و پس از آن، رهبری اقتصادهای نوظهور مانند چین، اندونزی و برزیل، گفتمان گروه ۲۰ را به طور فزاینده‌ای به سمت دیدگاهی تحول‌آفرین سوق داد. ریاست برزیل در سال ۲۰۲۴ نمونه‌ای بارز از این تغییر است. این کشور با راه‌اندازی ابتکار ۱۰۰ میلیارد دلاری صنعت جدید برزیل (Nova Industria Brasileira) بر اساس ایده‌های مارینا مازوکاتو، نشان داد که به دنبال یک سیاست صنعتی فعال است.

دوره استوایی مستقل پس از ۲۰ به پسرینی مازوئو و کره سونگو، گزاشی با عنوان «سیارای سبز» و عادلانه ارائه کرد که به طور قاطع از سیاست‌های صنعتی مأموریت‌محور برای دستیابی به اهداف آب و هوایی حمایت می‌کند. این گزارش سیاست صنعتی (از نه به عنوان ابزاری برای رفع ناامی‌های بازار، بلکه به عنوان یک نیروی محرک برای تحول در کل اقتصاد تعریف می‌کند). این گزارش خواستار اصلاحات در سازمان تجارت جهانی و ایجاد یک معماری مالی جهانی است که فضای مالی را برای دسترسی کشورها به منابع مالی نیز حفظ کند. ریاست آفریقای جنوبی در سال ۲۰۲۵-۲۰۲۶ روند را با تمرکز بر توسعه یک «چهارچوب» برای ۲۰ صنعتی‌سازی سبز فراگیر» ادامه داده است. این چهارچوب به زبان به فضای سیاستی بیشتر، انتقال فناوری و «چانه‌زنی بزرگ» برای کشورهای در حال توسعه، تأکید دارد.

سلسله مراتب سه لایه در سیاست صنعتی

نزاع بر سر سیاست صنعتی در سطح جهانی، به طور مستقیم به نابرابری و عدم تقارن در توانایی کشورها برای پیگیری استراتژی‌های صنعتی منجر شده است. این امر یک سلسله مراتب سه لایه را به وجود آورده است:

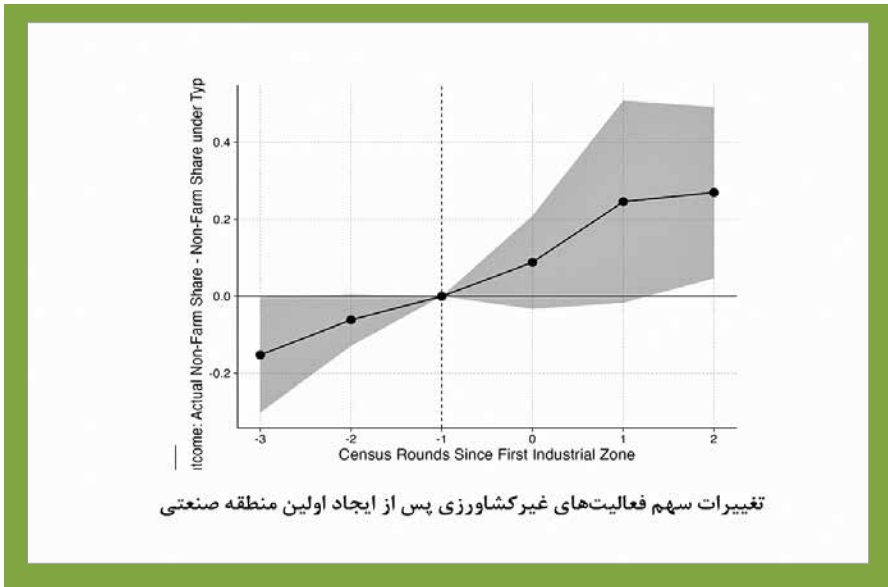
۱. اقتصاد‌های پیشرفته: این کشورها می‌توانند با آسودگی نسبی و با محدودیت‌های کمتر، سیاست‌های صنعتی را در مقیاس وسیع اجرا کنند. آنها ابزارهایی مانند یارانه‌های بزرگ تولید و سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های بر جریان فناوری را به کار می‌برند.
۲. اقتصادهای نوظهور با اهمیت ژئواستراتژیک: این کشورها از انعطاف‌پذیری انتخابی برای پیگیری سیاست صنعتی برخوردار هستند. این انعطاف‌پذیری عمدتاً به دلیل نقش آنها در زنجیره‌های تأمین جهانی، موقعیت آنها در رقابت ژئوپلیتیکی (مانند رقابت ایالات متحد و چین) و توانایی آنها در «چندمجموعی استراتژیک» (strategic polyalign) حاصل می‌شود.
۳. کشورها کم‌درآمد: این کشورها با خطر انزوا و بیشتر و حاشیه‌ای شدن مواجه هستند. آنها اغلب فاقد ظرفیت‌های بوروکراتیک، نهادهای قوی، فضای مالی و زیرساخت‌های لازم برای موفقیت سیاست‌های صنعتی هستند. نهادهای بین‌المللی نیز به آنها توصیه می‌کنند که محتاطانه عمل کنند، از این خودنابرابری‌های موجود را تقویت می‌کنند. این تفاوت در توانایی و ابزارها، به وضوح نشان می‌دهد که سیاست صنعتی به طور نابرابر در سراسر اقتصاد جهانی اجرا می‌شود.

نتیجه‌گیری: نگاهی به آینده سیاست صنعتی

در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که افزایش سیاست‌های صنعتی در جهان به معنای اجماع جدیدی بر سر آن نیست، بلکه این یک میدان نزاع فعال و پویاست که در آن دیدگاه‌های رقیب برای تعریف آینده مداخله دولتی با یکدیگر در حال رقابت هستند. دیدگاه محافظه‌کارانه به دنبال مهار و نظم‌دهی به سیاست صنعتی در چهارچوبی لیبرالیستی موجود است، در حالی که دیدگاه تحول‌آفرین به دنبال اصلاح ساختارهای حکمرانی جهانی برای ایجاد توسعه‌ای سیاستی بیشتر برای کشورهای در حال توسعه است.

سنگی دارد. آنها نهادهای بین‌المللی قادر خواهند بود که یک رویکرد انعطاف‌پذیر و عادلانه‌تر را به نیازهای توسعه‌ای کشورها، کم‌درآمد توجه کند. در پیش‌بینی که سیاست صنعتی به ابزار تبدیل خواهد شد که صرفاً برای منافع اقتصادی پیشرفته و قدرت‌های نوظهور عمل می‌کند و کشورهای فقیر را بیشتر به حاشیه می‌راند این سؤالات، پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه جهانی و آینده اقتصاد سیاسی بین‌المللی دارند.

اگرچه دستیابی به یک اجماع کامل در محیط
تجزیه‌ای یکپارچه چالش‌ها را بر عهده بعد به نظر می‌رسد، اما
برجسته شدن این موضوع در دستور کار نهادهای
مانند جی ۲۰ نشان می‌دهد که این نزاع ادامه
خواهد داشت و شاید در نهایت، به شکل گریز
نظام دگماتی هجانی به دست منجر شود که کمتر
نابرابر و بیشتر فراگیر باشد. در هر صورت، روشن
است که «دریان» توسعه که زمانی کنار گذاشته
شده بود، دوباره به بحث داغ در سیاست بین‌الملل
تبدیل شده است.



می‌دهد در مناطقی که در حال اولیه در یک تعادل با صنعتی سازی پایین قرار دارند، ایجاد یک منطقه صنعتی احتمال حرکت به یک تعادل با صنعتی سازی بالا را تا ۲۸ درصد افزایش می‌دهد. این یافته مشخص می‌کند این مناطق نه تنها اشتغال از افزایش می‌دهند، بلکه می‌توانند اقتصاد محلی را به طور اساسی تغییر دهند و آن را به سمت رشد پایدار هدایت کنند.

یکی از مشکلات اصلی در مطالعه سیاست‌های صنعتی، جدا کردن اثرات ناشی از ماهیانی از اثرات ناشی از بهبود شرایط اولیه است. برای مثال، ایجاد یک منطقه صنعتی ممکن است همراه با ساخت جاده‌ها یا سایر زیرساخت‌ها باشد که به خودی خود می‌تواند باعث افزایش فعالیت اقتصادی شود. روش پیشنهادی در این مطالعه این مشکل را با شناسایی دقیق حال‌های تعادل و بررسی تأثیر سیاست بر انتخاب بین این حال‌ها حل می‌کند. این روش نشان می‌دهد حتی در غیاب تغییرات بزرگ در زیرساخت‌ها، ماهیانی می‌توانند نقش مهمی در موفقیت سیاست‌های صنعتی داشته باشد. یافته‌های این مطالعه پیامدهای

نمونه تعداد مناطق صنعتی در طول

زمان در هند

یکی از یافته‌های مهم این مطالعه این است که حدود یک‌سوم از افزایش اشتغال ناشی از مناطق صنعتی به دلیل کاهش بیکری بین فعالان اقتصادی است. به عبارت دیگر، این مناطق به شرکت‌ها و کارگران کمک می‌کند تا انتظارات خود را هماهنگ و به سمت یک تعادل اقتصادی بهتر حرکت کنند. برای مثال، وقتی یک منطقه صنعتی ایجاد می‌شود، شرکت‌ها با اطمینان بیشتری سرمایه‌گذاری می‌کنند، زیرا می‌دانند بیکران نیز احتمالاً آهنگی را را خواهند کرد. این هماهنگی باعث می‌شود افزایش از یک تعادل با صنعتی‌سازی پایین به یک تعادل با صنعتی‌سازی بالا حرکت کند. نتایج همچنین نشان

منبع:

Can Industrial Policy Over-
come Coordination Failures
Theory and Evidence, Tishara
.Garg, २०२६, working paper MIT



دهه است. این زیرساخت اجتماعی و اقتصادی ظرفیت مقاومت جامعه ایرانی را در مقابل فشارهای خارجی به مراتب افزایش داده است.

سویونی دیگر آمریکا در تهران - سفارت ندارد. نمی‌تواند هیچ دلیل برای ندادن کودتا در ایالات متحده به دلیل است که آمریکا در خاک خود سفارت ندارد! برآورد می‌شود که ایالات متحده در بیش از هشتاد مورد برای کودتا و مداخله در انتخابات کشورهای دیگر اقدام کرده است. هرچند تعطیلی سفارت این کشور مانع از مداخله آمریکا در امور کشور نشده، ولی حداقل رابطه رفتن با عوامل داخلی را مستقیم کرده است و امکان مداخله مستقیم آنها به منظور که در زمان مصدق، امیرکبیر و ... در مقام مداخله می‌کردند، ممکن است.

تلاقی مختلف از جمله مداخله خارجی، اختلاف شدیدی بین ملیون، مذهبی‌ها و پوچه‌ها از یک طرف و همچنین بین دولت، نظامیان، مجلس و شاه از طرف دیگر ایجاد کرده که زمینه کودتای تنکین ۲۸ مرداد فراهم شد و جنبش ملی ایران مستقل را پیش از دهه علم انداخت، ولی در حال حاضر به نظر می‌رسد انسجام خوبی بین این دولت و حاکمیت و نهادهای نظمی و قضایی آن وجود داشته باشد.

پس از حمله اسرائیل در جامعه ایجاد شده است.

شالوده اقتصادی و اجتماعی از :
دوران دولت دکتر مصدق تا دولت پهلوشنیکان، جامعه ایران از یک جهه با نرخ بی‌سوادی ۸۰ درصد اقتصاد کاملاً کشاورزی در دوران مصدق به یک جامعه باز نژادسودا بالی ۹۰ درصد و حتی اقتضات کار دادی متشوع تبدیل

تأثیر می‌گذارد. برای مثال، اگر احداث یک شهرک صنعتی در یک منطقه باعث افزایش اشتغال در منطقه‌ای دیگر شود، این نشان‌دهنده وجود اثرات سرریز (spillover) مثبت است. این مرحله به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چه عواملی باعث می‌شوند اقتصاد در یک حالت خاص باقی بماند.

در مرحله دوم، تمام حالت‌های ممکن تعداد اقتصادی برای هر منطقه محاسبه و این کار با استفاده از ابزارهای ریاضی پیشرفته انجام می‌شود که از این طریق می‌توانند همه سناریوهای ممکن را شناسایی کنند، حتی برای تعداد این حالت‌ها زیاد است سه حالت تداخل وجود نداشته باشد؛ یکی با سطح پایین صنعتی سازی؛ یکی با سطح متوسط و دیگری با سطح بالا. این مرحله برآیند حاصل می‌دهد تا ببینیم چه گزینه‌هایی امکانی برای اقتصاد وجود دارد.

در مرحله سوم، به هر یک از این حلال‌های تعادل یک «نوع» اختصاص داده می‌شود، مانند تعادل با صنعتی سازی «بالا» این تعادل با صنعتی سازی «پایین». این نوع‌بندی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم سیاست صنعتی چگونه بر انتخاب بین این حالت‌ها تأثیر می‌گذارد. برای مثال، این‌جا باید یک منطقه صنعتی باعث می‌شود اقتصاد با یک تعادل پایین به تعادل بالا حرکت کند؛ این روش مشخص به ما امکان می‌دهد تا منحنی کنیم چه بخشی از تعادل سیاست به دلیل هماهنگی و چه بخشی به دلیل نبود شرایط اولیه، مانند زیرساخت‌هاست.

تجربه هند

این روش برای بررسی تأثیر مناطق صنعتی در هند به کار گرفته شده است. مناطق صنعتی که در بسیاری از کشورها به عنوان ابزاری برای توسعه استفاده می‌شوند، مناطقی هستند که با ارائه تسهیلات و زیرساخت‌ها، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری در یک



در بسیاری از اقتصادها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، فعالیت‌های اقتصادی به دلیل وجود به اصطلاح «شکست هماهنگی» محدود می‌شود. شکست هماهنگی زمانی رخ می‌دهد که بازیگران اقتصادی مانند شرکت‌ها، به دلیل عدم اطمینان از اقدامات دیگران، تمایلی به سرمایه‌گذاری گسترش فعالیت‌های خود ندارند

تغییر تعادل اقتصادی

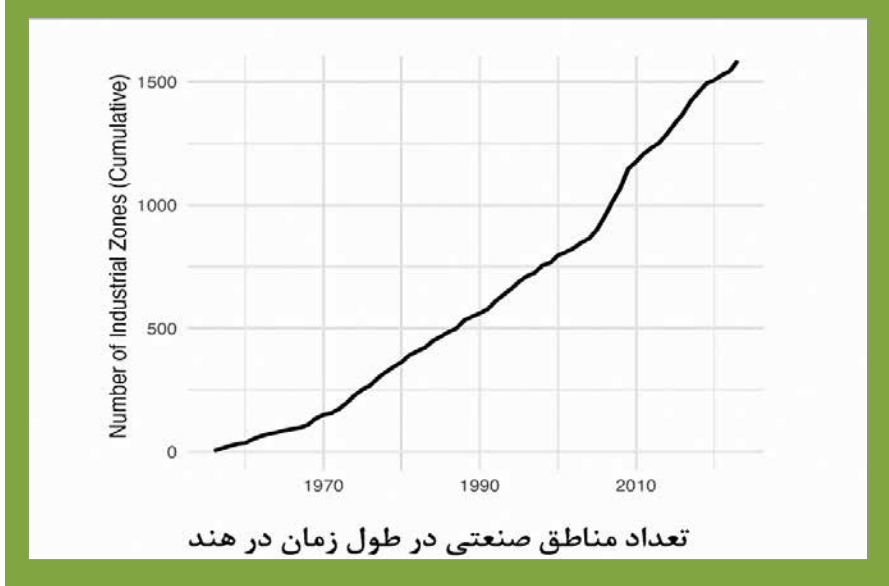
یکی از اهداف اصلی سیاست‌های صنعتی، کمک به اقتصاد برای خروج از تعادل پایین و حرکت به سمت یک تعادل با سطح بالاتر صنعتی‌سازی است. این مفهوم که به‌آسانی به آن «جهش بزرگ» گفته می‌شود، بر این ایده استوار است که با ایجاد انگیزه‌های مناسب، می‌توان اقتصاد را به سمتی هدایت کرد که در آن تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری به طور قابل توجهی افزایش یابد. اما مشکل اینجاست که تشخیص اینکه آیا یک سیاست واقعا باعث تغییر تعادل شده یا صرفا به دلیل بهبود شرایط اولیه (مانند زیرساخت‌ها) اثرگذار بوده، دشوار است. برای حل این مشکل، روش‌های طراحی شده که می‌تواند اثرات هماهنگی را از اثرات ناشی از بهبود شرایط اولیه جدا کند. روش پیشنهادی برای بررسی تأثیر سیاست‌های صنعتی شامل استفاده از سه مرحله است: در مرحله اول با استفاده از داده‌های مختلف از مناطق یا بازارهای مختلف، روابط ساختاری بین فعالیت‌های اقتصادی شناسایی می‌شود. این روابط نشان می‌دهد چگونه فعالیت در یک منطقه یا بخش بر مناطق و بخش‌های دیگر

تجربهای چنین سیاستهایی است. یک اقتصاد را از تعادل صنعتی سازی از گسترده حرکت دهد؟ اهمیت این است.

کند و بالعکس و این گونه، نه صنعت توسعه ریل ایجاد می شود و نه صنعت واگن سازی. این گزارش قصد بررسی یک روش نوین برای تحلیل تأثیر سیاست های صنعتی برای غلبه بر مشکل هماهنگی و حرکت به سمت تعادل های بهتر اقتصادی را دارد.

مشکل هماهنگی

در بسیاری از اقتصادها، پروژه‌های در کشورهایی در حال توسعه، فعالیت‌های اقتصادی به دلیل وجود به اصطلاح «شکست هماهنگی» محدود می‌شود. شکست هماهنگی زمانی رخ می‌دهد که بازیگران اقتصادی مانند شرکت‌ها، به دلیل عدم اطمینان از اقدامات دیگران، تمایلی به سرمایه‌گذاری یا گسترش فعالیت‌های خود ندارند. برای مثال یک شرکت ممکن است از سرمایه‌گذاری در یک منطقه خاص خودداری کند، زیرا مطمئن نیست شرکت‌های دیگر نیز در آن منطقه حضور خواهند داشت. این وضعیت



فشارهای غربی ها دیگر کارکردی چون مقطع ۲۸ مرداد را ندارد

هفتاد سال استقلال خواهی ایرانیان

در نهایت قرارداد جدیدی در سال ۱۲۱۳ تنظیم شد که بازم نفع چندانی برای ایران نداشت.

با اوج گرفتن نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، ابتدا بریتانیا و بعدها ایالات متحده با روش‌های مختلف، از تحریم و جنگ روانی گرفته تا جاسوسی و در نهایت کودتا، برای سرکوب آن بهره‌برده بودند. بریتانیا حتی پا را از کودتا فراتر گذاشته و برای رهبران نهضت حکم صادر می‌کرد؛ سام فال، دبیر سفارت انگلیس در تهران در زمان کودتا می‌نویسد: «... اعداد بی‌رحمانه، صرف‌نظر از غیرسانی بودن آن، ممکن است در مورد صدق عقاقلانه نباشد ولی شاید برای فاطمی، از دستگیر شدن، بهترین راه حل باشد. از زمانی که این‌گونه افراد زنده هستند و در ایران به سر می‌زنند، همیشه خطری جدی وجود دارد، شدت مثل اسفند...»

کریمت زورولت در اول شهریورماه ۱۳۰۳ کودتا به ایران می‌رود و می‌گوید: «پس از برگزاری تشریفات، شاه بن من اشاره کرد و اوایل عبارتی که با من رسمی‌ان داد که این بود: من بختم را مدیون خدا، ملت،م، ارتش و انقلاب اسلام.»

با وقوع شکست‌های پی‌درپی و پیاپی به نفوذ و مداخله قدرت‌های غربی در ایران، دشمنی این کشورها با ایران دوباره به همان اشکال دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، یعنی تحریم،

جنگ روانی، جاسوسی و خرابکاری آغاز شد و با گذشت ۴۵ سال همچنان ادامه دارد. نهضت ملی شدن صنعت نفت در کمتر از سه سال شکست خورد اما نهضت انقلاب اسلامی به رغم تمامی مشکلات داخلی و خارجی و دسیسه‌ها و فشارها همچنان مقاوم و پابرجاست.

تفرقه بين دولت و حکومت

یکی از روش های مرسوم کشورها برای سرکوب نفوذ های ملی و شخصیت ها و وطن دوست ایرانی، جدایی بین نهاد دیوان سالاری و نهاد حکومت بود. همه شخصیت های ملی از قلمرو فرماندهی و مدیریت گشته تا کاتب مصدق و دکتر عالیخانی، هر چه قربانی توطئه قدرت های خارجی از طریق اختلاف افکنی بین آنها و نهاد سلطنت شدند. برای مثال محمد شاه قاجار که با حمایت تمام و کمال شاه مقام فراوانی به سلطنت رسید، خیلی زود با دسیسه خارجی ها نسبت به او بدبین شد. سنجگیری های قاطع مقام بدین برهه در رابطه با انگلستان که به دنبال ایجاد تارتخانه و گرفتن امتیاز از دولت ایران بود، باعث دشمنی آنها با وی شد. این کمپل، وزیربختر انگلیسی، با اخذ بودجه و خرج آن در جهت بدنام کردن میرزا، موفق شد موجب بدبینی مردم و حکومت به وی شود. از سوی دیگر یکی ابوالحسن نایب ایچ، که حقوق بزرگ